

از لابلای یادداشت‌ها و نیشتهای روزمره ام

چگونگی روان جمعی ونحوه کنش‌های توسعه سیاسی نحوه تعلیم و تربیه، اتیک اجتماعی و ایجاد حسن نیت چگونگی درک ارزش‌ها ونحوه بهره‌گیری‌ها

تداوم برخوردهای مسلحانه در دوده پشین
انجام سفرهای پرهزینه و گزارش نظامیان
عوارض جنگی ایالات متحده در کشورما
مسئولیت پوشش خبری و اطلاع‌رسانی

در باب علل توسعه سیاسی می‌توان به کاوش پرداخت
اینکه چرا دولت‌ها در افغانستان کمتر باثبات بوده‌اند،
چرا مدارای سیاسی در کشورما اندک است، چرا دولت
در افغانستان عرفی نشده است، چرا به قانون عمل نمی
شود، چرا قوانین با مقتضیات انطباق ندارند، چرا مناز
عات با خشونت حل می‌شود. پاسخ این چراها را در ایده
ها و نگرش‌ها (فرهنگ)، ساخت‌ها و نهادها ی سیاسی با
ید جستجو نمود. شاخص‌های توسعه سیاسی عبارتند از
نهادینه شدن ساختار سیاسی، تمرکز زدایی، عقلانی شدن
نظام بیروکرسی تصمیم‌گیری و کنش سیاسی، مشارکت
شهروندان در دموورداخیر، بازتاب منافع گروه‌های اجتما
عی در تصمیم‌گیریهای سیاسی، گسترش تساحل سیاسی،
اسطوره زدایی از قدرت، عرفی شدن دولت، رشد فرهنگ،
افزایش قانونگرایی در فعالیت سیاسی، اعتماد سیاسی و
ثبات سیاسی.

همه خوب بخاطر دارند زمانی که "جنگ علیه تروریسم" آغاز شد، نیاز فوری به پوشش وقایع بعدی که جنگ
بمیان می‌آورد، عمل احساس گردید. در نخستین روزهای تهاجم و آغاززد و خوردهای مسلحانه نظامیان امریکا
بی درکشورما، اگر سربازان تادندان مسلح کشور یادشده، فشار بر "طالب"ها را نگهداشته و چنانچه لازم بود، آنرا
تداوم می بخشیدند، ممکن درگیری‌های مسلحانه آغاز شده در کشور، رنگ دیگری بخود اختیار نموده و یا بزود
ترین فرصت ممکن خاتمه می پذیرفت. اما پس از سالها سال و سپری گردیدن در حدود دوده جنگ و درگیری
های مسلحانه در کشور، اصل بنظر نمی رسد که جنگ در اراضی کشور عزیزما باین زودی‌ها و بگونه کاملی
پایان یابد. در واقعیت امر، امریکایی‌ها چنین القا نمودند که آنها نه تنها بخاطر محو و نابودی "القاعده"، بلکه به
منظور انجام مأموریت اصلی برای ایجاد افغانستان باثبات، در اراضی کشورما مستقر شده‌اند. طی سال ۱۳۸۹
آنچه که بمثابة جنگ آغاز گردیده بود، توسط تیم‌های عملیات ویژه امریکایی تشدید حاصل نمود. در این مقطع
زمانی، تعداد نظامیان امریکایی در کشورما به یکصد هزار تن بالغ می‌گردید. جورج دبلیو بوش و بارک اوباما،

رؤسای جمهوری ایالات متحده، هر دو تلاش بعمل آوردند تا جنگ مسلحانه در کشور ما را بایپروزی نظامی به انجام رسانند.

در نهایت امر، طی سال ۱۳۹۳، گویا عملیات رزمی و جنگی ختم گردید و اما در واقعیت امر می توان آنرا بمثابه یک پایان نمادین محسوب نمود. نظامیان امریکایی با انجام عملیات ضد تروریستی و به تعلیم و تربیه و آموزش نیروهای امنیتی کشور ما مبادرت ورزیدند، اما بارمسئولیت جنگ، بکمک و یاری نظامیان امریکایی و ناتو، بر دوش افغان ها قرار داشت. در سال های پسین، جنگ بویژه به پس زمینه سرو صدا های صرفن امریکایی مبدل گردیده بود. در دو دوره ریاست جمهوری دموکرات ها در ایالات متحده، جنگ در کشور ما کماکان تداوم حاصل نمود. اکنون اداره و اشننگتن بر رهبری ترامپ در نظر دارد در قبال قول "طالب" ها مبنی بر ممانعت حضور تروریست های بین المللی در افغانستان و جلوگیری استفاده و بکارگیری از اراضی کشور ما بمنظور انجام فعالیت های خرابکارانه و همچنان به هدفمند بودن گفتگوه با "طالب" ها نیز تأکید ورزیده و با اینکارش خواست تا نظامیان کشورش را روحیه بخشد.

قابل یادآوریست که احتمال موجودیت توافق قبلی در زمینه نیز موجود می باشد، اما بگفته بسیاری از کارشناسان، بوضوح زمینه چگونگی مذاکرات و گفتگو های ایالات متحده با "طالب" ها از مطلوبترین ها بحساب نمی آید. عدم موجودیت و نبود حضور مستقیم دولت افغانستان در مذاکرات و گفتگو های اخیر که بیشتر به چانه زنی ها خلاصه می گردید، جای سؤال دارد. بدون موجودیت و اشتراک مستقیم نماینده های رسمی دولت افغانستان، این کشورها بیرونی اند که در مورد سر نوشت آینده صلح در کشور ما تصمیم می گیرند که در نوع خود، خلاف کلیه اصول پذیرفته شده بین المللی بوده و با اساسات و ضوابط روابط بین الدول منافات دارد.

در این مقطع سؤالی ذهن همه را بخود مشغول می دارد که تفاوت و تمایز ستراتیژی جدید ایالات متحده بمنظور ختم جنگ و درگیری در افغانستان با اقدامات قبلی آن کشور در چه نهفته می باشد؟ در سال ۲۰۰۱ با لشکرکشی ایالات متحده بر کشور ما، در حالیکه این مأموریت هنوز در آستانه و شرف تکوین قرار داشت، تعداد معدودی از مردم ضرورت اخراج "القاعده" از افغانستان را ضروری و لازمی می پنداشتند. پس از آن زمان، در قلمرو مربوط به کشور ما چه اتفاقات و تحولاتی تکوین پذیرفت؟ چه اقدامی علیه ایالات متحده انجام داده شده بود، ایالات متحده چه اشتباهاتی را مرتکب گردیده و در پایان کار، پیامدهای آن از چه قرار بود؟ جنرال مک کریستال از سال ۲۰۰۹ - ۲۰۱۰ فرمانده نیروهای ناتو در کشور ما بود که پس از نشر گزارش ناسازگار مایکل هاستینگ خبرنگار "رولینگ استون" در مورد نامبرده و کارکنانش توسط پتر ایوس جایگزین گردید. پتر ایوس جنگ عراق را نجات داده و با اعتبار قابل توجهی، بمثابه جنگه ضد شورش وارد کابل گردید. با این وجود، هیچکدام از جنرال های یاد شده نتوانستند تا جنگ در کشور ما را مطابق دلخواه نظامیان امریکایی و ناتو هدایت و رهبری نمایند.

جنرال امریکایی سکات میلر در ماه سپتامبر سال ۲۰۱۸ بدون تصور کلی از وضعیت، وارد کابل گردید. وارد کشوری گردید که پیشینینانش در آنجا متحمل شکست گردیده بودند. اما اداره و اشننگتن بر رهبری ترامپ در ماه جون سال روان طی گزارشی به کنگره آن کشور، تأکید بعمل آورد که هدف اصلی ستراتیژی آسیای جنوبی را حل و فصل پایدار و فراگیر جنگ در افغانستان تشکیل می دهد تا ایالات متحده را از تکرار حوادث تروریستی و انجام خرابکاری و آدمکشی محافظه نماید.

اما امریکایی ها و سایر خارجی هایی که در کشور عزیز ما حضور فزینی داشته و عملیات های جنگی را تنظیم و اجرا نموده و یا معاونت هایی را در زمینه انجام می دهند، باید بدانند که قبل از تدوین و انجام عملی ستراتیژی های نظامی و جنگی، از دشواری ها و مشکلاتی که بویژه پس از درگیری ایالات متحده در اراضی کشور ما ایجاد گردیده، باید مطلع بوده و بمنظور حرکت های آگاهانه آتی، نبض محیط و اجتماع افغانی را در دست داشته باشند. از اصل شناخت روحیات و واقعیت های منحصر بفرد هموطنان افغان ما نباید بسادگی گذشت. اکنون برای ایالات متحده، مسایل دوگانه ای از اهمیت در خورتوجهی برخوردار می باشد، توافق سیاسی با مخالفان مسلح، این یکی و دیگری هم محافظت از کشور ایالات متحده باضافه انجام مأموریت های ضد تروریستی و در مجموع، تداوم مبارزه با تروریسم بمفهوم وسیع کلمه.

دروضعیت کنونی، بسیاری از نظامیانی که حتا در سال ۲۰۰۱ در تهاجم به کشور ما جز نظامیان امریکایی بودند، اکنون اعتراف می نمایند که از درک کاملی در مورد مشخصه های اجتماع بشدت محافظه کار افغانستان و منا

سبات، روابط و خصوصیت های کاملن منحصربفرد جامعه افغانی اصلن برخوردار نبوده و درخلاق قرار داشتند. اما اکنون جنرال میلر ستراتیژی جدیدی را رویدست گرفته که به حفظ و تقویت نیروهای واکنش سریع تأکید می ورزد. با استفاده و بکارگیری از جنگنده های بدون سرنشین، بمب افکن ها و فعالیت های مشترک نظامیان امریکایی و افغانستان، "طالب" ها و جنگجویان "دولت اسلامی" در چندین ولایت کشور در هم کوبیده شدند. اما نباید فراموش نمود که "طالب" ها در امر برقراری ارتباط با همدیگرشان بگونه چابک عمل می نمایند. اقداماتی که نیروهای ائتلاف جمع نیروهای مسلح کشور در امر مبارزه با "طالب" ها انجام می دهند، در مقایسه با اوضاع و وضعیت کنونی و چگونگی تعدد تحرک های نظامی مخالفان مسلح، انگشت شمار محسوب می گردد. بخاطر باید داشت که چشم انداز و دورنمای دستیابی به توافق سیاسی در کشور، بیشترین توجه را بخود معطوف نموده است. راهبردها بگونه کلی در امر جلوگیری از تبدیل کشور ما به پناهگاه امن تروریست هایی که به منافع ایالات متحده زیان رسانند، خلاصه گردیده است. بگفته نظامیان امریکایی، در ایام پسین چنین تصویری می گردد که ستراتیژی کنونی آنها در مورد افغانستان بگونه کاملی تدوین و تکمیل گردیده است.

همچنین نباید فراموش نمود که "داعش" برخلاف "القاعده"، با "طالب" ها اختلاف دارد. اما هر دو گروه در امر پیروزی شورشیان علیه دولت افغانستان تلاش ورزیده و سعی می ورزند تا از دستاوردهایی برخوردار گردند. در حالی که ایالات متحده و "طالب" ها در حال انجام مذاکرات و گفتگوهای صلح می باشند، تهدیدهای "داعش" همچنان ادامه دارد. کارشناسان مسایل و امور مربوط به کشور ما چنین می پندارند که "طالب" ها تمامیت خواه بوده و هواخواه حاکمیت بر افغانستان بمثابه یک گل می باشند. آنها در نظر دارند تا در کشورشان از لحاظ سیاسی، تغییراتی وارد نمایند، اما "دولت اسلامی" خواهان تغییر نقشه جهان می باشد.

جنگ کنونی ایالات متحده و شرکایش در اراضی و قلمرو کشور عزیز ما بمثابه جنگ بزرگ در یک واحد متعارف محسوب می گردد. اما جنگ در کشور ما با استفاده از روش های کاملن متفاوتی همچنان ادامه داشته و از هموطنان ما قربانی می گیرد. دفاع از جامعه و دفاع از تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشور عزیز ما، جز اولویت های کاری ما باید قرار گیرد. ثبات بویژه در محلات از عمده ترین دغدغه ها بشمار می آید. اداره محلات باید بگونه ای تنظیم گردد که در کنار سایر خواست های اهالی، قبل از همه امنیت تأمین گردیده و در کنار آن، نحوه ارتباط و تماس محلات و روستاها با حاکمیت دولتی نیز تعیین و مشخص گردد. بسیاری از افراد و اشخاص شاغل قوت های رز می خارجی در کشور ما با صراحت اظهار می نمایند که آنها راه و مسیر فعالیت های بعدی شان را در افغانستان گم کرده اند. عده ای همچنان باور دارند که سرانجام با گذشت زمان و موجودیت پُررنگ نظامیان غربی در کشور ما فساد و سوءاستفاده در دستگاه اداره دولت کنونی همراه با بی میلی امریکایی ها، بسیاری از برنامه های مطرح شده از قوه بفعال مبدل نگردیده و صرف روی کاغذ باقی ماند. اما با وجود اینهمه، برنامه هایی که از آن ها تذکر بعمل آمد، بگونه کلی خیلی سریع و چابک تغییر نموده و این سلسله همچنان ادامه داشته و به سرعت عوض می گردند.

عده ای از نظامیان بازنشسته استدلال می نمایند که اگر برنامه های رویدست گرفته شده مطابق واقعیت های موجود جامعه افغانی تهیه و عیار گردیده و تطبیق عملی آن با توجه و تأمل به نبض محیط اجتماعی افغانستان در نظر گرفته می شد، ممکن وضعیت کنونی افغانستان بسیار متفاوت از آنچه می بود که در وضع کنونی با آن مواجه می باشیم. مردم و باشندگان های کشور هنوز هم در جستجوی تأمین ثبات می باشند. اما با الهام از برنامه های صلح طلبانه، در امر تقویت نیروهای زمینی قوت های مسلح در کشور، گامی بجلو برداشته شد.

بسیاری ها باور دارند که موجودیت فساد بمثابه سرطان محسوب می گردد، اما راهایی بمنظور مقابله با آن نیز وجود دارد. اما نباید فراموش خاطر ما گردد که پیمانانه فساد در دستگاه اداره دولت کشور بگونه ایست که می توان موجودیت آن را در بدنه ساختار سیاسی کشور بمثابه سرطان روده بزرگ تلقی نمود که اگر بموقع ریشه کن گردد، احتمالن بهتر خواهد بود. با این حال، واقعیت دردناک یادشده که به گستردگی آن در سرپای جامعه ما اذعان می گردد، مانند سرطان مغز بوده و کشنده محسوب می گردد. مقامات امریکایی بگونه غیر مستقیمی اجازه دادند تا فساد بیشتر شده و گسترده تر گردد. آنها به ناپودی مشروعیت دولت متلاشی شده افغانستان که بمنظور تداوم و پیشبرد عملیات جنگی تلاش می نمود، کمک نموده و زمینه های آنرا مساعد و مهیا نمودند. در نتیجه موجودیت فساد گسترده، بویژه در بخش های قضایی و پولیس کشور، عده ای ناگزیر شدند به "طالب" ها رو آورند.

جنرال های امریکایی بگونه تکراری و دوامداری از پیشرفت ها در زمینه تدوین برنامه اصلی ستراتیژی خویش

سخن گفته و یادآوری شوند که آموزش ارتش نیرومندی که قادر بدفاع مستقلانه از افغانستان باشد، از اولویت های کاری آنها محسوب می گردد.

قابل تذکر می باشد که نیروهای ویژه بمنظور پیروزی بر مخالفان و ایجاد ثبات در محلات، ستراتیژی مشخصی را رویدست گرفتند. ستراتیژی متذکره تحت عنوان عملیات ثبات دهکده نامیده شده که در نتیجه، تیم هایی از نیروهای ویژه بمنظور برقراری و تحکیم حکومت های محلی، بسراسر کشور سوق داده شدند. کمبودی قابل توجهی که در زمینه موجود بود، از جمله یکی هم اینکه امریکایی ها بگونه دائمی مصروف انجام عملیات های نظامی بوده و اما بندرت با باشنده های محلات کشور در تعامل بودند. همچنان نباید فراموش نمود که دستیابی به موفقیت و پیروزی بیش از همه به بسیج مردم ارتباط داشته که با تحقق این مهم، بگمان غالب که از تأثیرات منفی شورشیان بگونه وسیعی جلوگیری بعمل خواهد آمد.

مطابق شرایط، قواعد بازی در حال تغییری باشد. زمانی که از ثبات در محلات سخن می گوئیم، تنها فقط مسأله امنیت مطرح بحث نمی باشد، بلکه میریت محلات نیز در دستور کار قرار می گیرد. همچنین، مسأله اتصال روستاها با بقیه مناطق و محلات نیز از اهمیت منحصربفردی برخوردار می باشد. آنچه قبل از همه و در گام نخست باید ارائه گردد، ایجاد و فراهم نمودن بستر ثبات در روستاها می باشد.

با در نظر داشت شرایط مشخص کشور باید یادآور شد که نیروهای ویژه توجه شان را بیش از حد به جنگ و برخورد های مسلحانه معطوف نمودند. اما یورش های پیاپی بر مخالفان مسلح، فقط شاخه های شورش رومی شکستاند، اما ریشه و بنیاد آن همچنان حفظ گردیده و دست ناخورده باقی ماند. زمانی می توان بر شورشگری پیروز شد که مردم کشور را بیش از پیش به رد یاغی گری ترغیب و تشویق نموده تا امر بازسازی کشور ویرانه ما را در سر لوحه و وظایف شان قرار دهند.

چنانچه قبلن تذکر بعمل آمد، سرانجام، فساد و سوءاستفاده ها با بی میلی امریکایی ها همراه گردیده که در نتیجه بسیاری از برنامه های طرح شده در نطفه خنثا گردیده و یا صرفن روی کاغذ باقی ماندند. بازرسی ویژه ایالات متحده برای بازسازی افغانستان، طی گزارشی در ماه می سال ۲۰۱۸ پتانسیل اولیه و نخستین را در حال افزایش نشان داده بود، اما در هنگامی که باید از قوه بفعول مبدل می گردید، امریاد شده دچار لنگش شده و شرایط نیز خیلی بدتر از قبل گردیده و برنامه های مطرح شده خیلی سریع و با شتاب تغییر نمودند.

اما قابل تذکر می باشد که توافق صلح و مذاکرات کنونی ایالات متحده با "طالب" ها که در قطر براه انداخته شده، جانب "طالب" ها قول داده اند تا استفاده گروه های تروریستی از اراضی افغانستان را بمنظور انجام عملیات علیه منافع ایالات متحده اجازه ندهند و طرف ایالات متحده نیز موافقتش را با خروج نظامیان آن کشور از افغانستان ابراز نموده است که می توان آنرا بمثابه آغاز و شروعی برای تهیه و تنوین چارچوب توافق محسوب نمود. اما بخاطر باید داشت که صلح در کشور ما خطراتی را نیز در پی خواهد داشت. با نگاهی به پس منظر حوادث و اتفاقات بگونه مثال در شبه قاره هند و چین بایست یادآور شد که البته ویتنام در سال ۱۳۵۲ با پیمان صلح با ایالات متحده موافقت نمود. پس از ختم جنگ، ویتنام از ایالات متحده تقاضای کمک و معاونت نمود، اما رئیس جمهور جerald فورد از ارائه چنین کمک هایی امتناع ورزید. آیا هنگامی که آخرین نظامی ایالات متحده کشور ما را ترک می نماید، اتفاق مشابهی رخ خواهد داد؟

در اینجا باید یادآور شد که در مورد حل و فصل سیاسی قضایا، تداوم و انجام مذاکرات صلح بمثابه نقطه عطفی در مجموعه معضلات موجود کشور محسوب می گردد. اینک به مدت تقریبین دو دهه می شود که جنرالی پس از جنرال دیگر در مورد موفقیت در اجراء و پیشبرد عملیات جنگی و محاربوی در کشور ما صحبت نموده و همچنان در مورد یاد شده سخن می گویند که بسیاری از مخاطبان، همه ی آن گفته ها را در تناسب با واقعیت های موجود نادیده گرفته و بآنها اهمیت آنچنانی اصلن قایل نمی باشند. مردم کشور ما نسبت به قولها و وعده های فرماندهان بدیده شک و تردید می نگرند.

پایان جنگ و درگیری در کشور عزیز ما تنها و تنها از طریق راه حل سیاسی متصور و مقدور می باشد. جنگ و درگیری های نظامی در افغانستان باید با دستیابی به یک راه حل سیاسی پایان یابد. بادر نظر داشت وضعیت کنونی، هیچیک از طرفین نمی توانند بر یکدیگر پیروزی و موفقیت شان را مسجل نمایند.

اما باید خاطر نشان گردد که در واقعیت امر، توانایی مردم کشور در امر اعتماد هنوز هم دست ناخورده باقی مانده است.

باید فرصتی برای هموطنان ما بمنظور زندگی صلح آمیز میسر و فراهم گردد.
باید سعی و تلاش بعمل آید تا به کلیت مسایل و جریانات بشکل مثبت آن توجه نموده و بگونه خوشبینانه ای به
مجموعه وضعیت و قضایای موجود نگاه نمود.
در این مدت سی سال و اندی جنگ در کشور، نا آرامی، نبود امنیت، موجودیت فقر گسترده و... به بخش هایی از
حیات و زندگی روزمره هموطنان ما مبدل گردیده است.
هرکجا جنگ است و حدیث مرگ، ویرانی و در بدری که همه، پیامد های ناگوار و دردناک درگیری های نظامی
جنگ در کشور ما بحساب می آید.

یکشنبه هشتم ماه جدی سال ۱۳۸۹